

فصل اول: بررسی جغرافیایی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فصل دوم: جمعیت شناسی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فصل سوم: بررسی اقتصادی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فصل چهارم: بررسی اجتماعی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فهرست مطالب

فصل پنجم: بررسی فرهنگی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فصل ششم: بررسی سیاسی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فصل هفتم: بررسی تاریخی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فصل هشتم: بررسی طبیعی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فصل نهم: بررسی اجتماعی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فصل دهم: جمعیت شناسی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فصل یازدهم: بررسی اقتصادی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فصل بیستم: بررسی اجتماعی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

فصل بیست و یکم: بررسی طبیعی استان تهران
 سراسر منطقه
 تهران
 استان تهران
 آسیای میانه

| | |
|-----|--|
| ۲۲۱ | فصل ششم: اسکندر بزرگ و سلوکیان |
| ۲۲۵ | اسکندر در ایران و آسیای میانه |
| ۲۳۴ | رویدادهای پس از مرگ اسکندر |
| ۲۴۶ | استواری پادشاهی سلوکی |
| ۲۶۴ | برافتادن سلوکیان و میراث آنان |
| ۲۷۹ | میراث هلنیسم |
| ۲۸۵ | فصل هفتم: یونانی - باختریان، سکاییان و پارتیان |
| ۲۹۰ | یونانیان در آسیای میانه و افغانستان |
| ۳۱۰ | ناجست و تاز بیابانگردان |
| ۳۲۰ | پارتیان در مشرق |
| ۳۳۱ | فصل هشتم: پارتیان در فلات |
| ۳۳۳ | گسترش پادشاهی |
| ۳۴۹ | سازمان حکومت |
| ۳۷۵ | جنگهای ایران و روم |
| ۳۹۳ | هلنیسم و پراخیزی دوباره ایرانیان |
| ۳۹۹ | فصل نهم: کوشانیان |
| ۴۰۱ | ریشه‌ها |
| ۴۱۱ | کوشانیان بزرگ |
| ۴۲۰ | از هم پاشیدن امپراتوری |
| ۴۲۲ | روابط فرهنگی میان شرق و غرب |
| ۴۳۳ | فصل دهم: دودمانهای خُرد در فلات |
| ۴۳۴ | پارس |
| ۴۳۶ | ایمانیس |

| | |
|-----|--|
| ۷۵ | فصل سوم: تاریخ فلات و آسیای میانه پیش از آمدن ایرانیان |
| ۷۸ | بازسازی گذشته‌ها |
| ۸۴ | شرق نزدیک در آستانه هزاره نخستین |
| ۱۰۲ | باستانشناسی و شواهد دیگر اوستایی |
| ۱۰۷ | فصل چهارم: مادها و اسکیت‌ها و فرمانروایان مشرق |
| ۱۰۹ | برپایی امپراتوری ماد |
| ۱۱۶ | کیمریان و اسکیت‌ها |
| ۱۲۰ | پایان کار اورارتو |
| ۱۲۳ | از پای افتادن آشور |
| ۱۲۶ | آثار مانده از ماد |
| ۱۲۹ | گسترش امپراتوری |
| ۱۳۲ | هنر و فرهنگ مادی [در برابر معنوی] |
| ۱۳۳ | دین |
| ۱۳۵ | پیکار لیدی و برافتادن ماد |
| ۱۴۱ | فصل پنجم: هخامنشیان |
| ۱۴۶ | کوروش و پایه‌گذاری امپراتوری |
| ۱۵۸ | کمبوجیه و «غصب» گوماته |
| ۱۶۸ | کشورستانیهای دیگر |
| ۱۷۳ | تجدید سازمان امپراتوری |
| ۱۹۷ | دین |
| ۲۰۳ | پایتختها |
| ۲۰۵ | خشایارشا و فترت |
| ۲۱۲ | تباهی هخامنشیان |
| ۲۱۳ | هخامنشیان |

| | |
|-----|---|
| ۴۴۰ | خاراسن و خلیج |
| ۴۴۳ | فترت |
| ۴۴۵ | آدیابن و شمال بین‌النهرین |
| ۴۵۱ | فلات ایران |
| ۴۵۷ | فصل یازدهم: ساسانیان |
| ۴۶۶ | اردشیر و آغاز کار |
| ۴۷۴ | جنگهای شاپور |
| ۴۸۵ | جانشینان شاپور |
| ۴۹۳ | شاپور دوم و تجدید حیات ساسانیان |
| ۵۱۸ | اصلاحات خسرو انوشیروان ('جاویدان روان') |
| ۵۳۲ | بازپسین فرمانروایان |
| ۵۴۱ | فصل دوازدهم: ایران شرقی و آسیای میانه |
| ۵۴۵ | میراث کوشانیان و ساسانیان |
| ۵۵۱ | هفتالیان [= هیطل‌ها، هیاطله] در فاصله تاریخ |
| ۵۵۹ | کشور - شهرهای سفدی |
| ۵۶۵ | فرمانروایان فرودست در افغانستان |
| ۵۶۹ | پیوستها |
| ۵۶۹ | پیوست ۱: شجره‌نامه‌ها |
| ۵۶۹ | شجره نسب هخامنشیان |
| ۵۶۹ | هخامنش |
| ۵۶۹ | چش‌پش |
| ۵۷۱ | شجره نسب شاهان اشکانی |
| ۵۷۳ | شجره نسب ساسانیان |
| ۵۷۵ | پیوست ۲ |

| | |
|-----|--|
| ۵۷۵ | کتابت بیستون از داریوش نزدیک کرمانشاه |
| ۵۸۹ | پیوست ۳ |
| ۵۸۹ | کتابت باختری سرخ‌گئل نزدیک بغلان در افغانستان |
| ۵۹۱ | پیوست ۴ |
| ۵۹۱ | کتابت شاپور اول در نقش رستم در فارس |
| ۵۹۷ | پیوست ۵ |
| ۵۹۷ | کتابت‌های فارسی میانه و پارتی نرسی در پایکولی در شمال خاتقین، عراق |
| ۶۰۹ | فهرست اعلام |

در مورد بیستون فرای از ایرانستان نام و از بزرگان گرانمایه فرهنگ و تاریخ ایران
 و در این کتاب است که در شادمانت و شادمانی پیش از اسلام سرزمینهای
 فلات ایران گفته می‌شود، از ایران و افغانستان امروزی و نیز پاکستان را
 میانه و ماوراءالنهر کتابت و مقاله‌های بسیاری در این باره نگاشته و منتشر ساخته
 است و سخن از در سطل فنی ایرانستان و استادان شرقشناسی حضرت خسرو
 فرورد و مرده قبول همگان است.
 در دی ماه ۱۹۷۰ آن استاد گذشته از وظایف فراوانی که در اشراف و اکتاف جهان
 داشت و به تدریس تاریخ و فرهنگ ایران در دانشگاه شراز همت گمارده و نیز به اداره
 امور دانشگاه آسیای ابراهیمه اینک نیز استاد کرسی آقاخان در مطالعات
 ایران است. در دانشگاه هاروارد که نام آن دانشگاه در این رشته در جهان پر
 است.
 به نام سرافراز است که از این دانشمند بلندنام در کتاب به فارسی ترجمه و منتشر

گرفته شده است، تا ایرانی‌زبانان از سامی و هندی‌زبانان یا سخنگویان به زبانهای دیگر باز شناخته شوند. فارس یا پارس، از سوی، همان استان فارس است.^۱

سرچشمه عمده آگاهی از تاریخ مادها و نخستین هخامنشیان همانا تاریخ هرودوت ایونی است، که اعتبار آن بارها مورد تردید قرار گرفته است. از سوی بسیاری از دانشمندان به درستی نوشته او سوگند می‌خورند، هنگامی که سخن او با دیدگاه آنان همساز باشد. ولی، هرگاه سخن او به کارشان نیاید و با دیدگاهشان سازگار نباشد آن را رد می‌کنند. رویهمرفته، بر سر آنم که باید این قاعده کلی را پذیرفت که هرودوت آنچه را به وی گفته شده بوده است بازگو می‌کند. گاهی که خواستار دادن پندی و عبرتی است، مانند تاخت و تاز هخامنشیان در یونان یا پدیده‌هایی همانند آن، از خویشتن پیامدی اخلاقی می‌افزاید. اینکه منابع آگاهی او قابل پذیرش باشد، خود مسئله‌ای است دیگر. اگر او کلاً داستانهایی به دست می‌دهد که در زمان او رایج بوده است، باز همین داستانها برای پی‌بردن به شیوه اندیشه گذشتگان و باز شناختن آن مغتنم است.

دومین صفت این کتاب، که پدیده‌ای برجسته است، همانا گسترش پهنه فرهنگی ایران است در روزگار کهن تا مرزهای چین و سیبری و جنوب روسیه. بر سر آن نیستیم که تاریخی از استپها بنگاریم از پیش از برخاستن ترکان، بلکه تنها خواهان آن هستیم که بر اهمیت آسیای میانه همچون منطقه فرهنگی ایرانی که در آن نفوذ هخامنشیان و ساسانیان برتری یافته بود تأکید ورزیم و نیز سرچشمه‌های مستقل اندیشه‌ها و نقشمایه‌های هنری و شیوه‌های گوناگون اجتماعی و حکومتی را باز شناسیم، که نفوذی بیش از آنچه در گذشته تصور می‌شد بر سرزمینهای شرق دور و روسیه داشته‌اند. شکوفایی بخارا و سمرقند و خوارزم پس از پیروزی اسلام، که خود کانونهای علمی و فرهنگی اسلامی برجسته‌ای شدند، بسیاری از پژوهندگان را دچار شگفتی ساخته است که چنین پدیده‌ای را در امپراتوری ساسانی توانسته‌اند بیابند. آسیای میانه، پیش از

۱. چنانکه می‌بینیم، مقصود مؤلف از اصطلاح «فارس»، «Persia»، در واقع «ایران کنونی» است و از اصطلاح «ایران»، «Iran»، ایران باستان است. از این رو، هر جا لازم بوده است، پس از واژه «فارس» «ایران کنونی» و پس از «ایران»، «ایران باستان» را در بین دو کمان آورده‌ام تا احياناً خواننده دچار اشتباه نگردد و به طور کلی «Persians» را به ایرانیان ترجمه کرده‌ام، نه پارسیان، جز در مواردی استثنایی. - م.

تاخت و تاز اعراب یک کانون شکوفان بازرگانی بود. پیامدهای پهناور و شگرف کارشهای باستانشناسی شوروی در آسیای میانه نه تنها بر پهنه آگاهی ما از گذشته باستان این سرزمین افزوده است بلکه تصور درازمدت همگان را، که در پاره‌ای از جهان بیابانگردان به هر سو می‌تاختند و در میان آنها از فرهنگ خبری نبود، باطل ساخته و در دیدگاه بررسی آورده است. ناممکن می‌نماید که یک تن بتواند با پژوهشهای جاری در شرق میانه همگام پیش براند، چه در غرب و چه در شرق (سین کیانگ). با آنکه کوششی برای پرداختن به تاریخ سین کیانگ یا حتی کوششی کافی برای شناسایی دیگر بخشهای آسیای میانه نشده است، باز هم اشارات پی‌درپی به وجود رشته‌های ارتباطی میان آسیای میانه و سرزمینهای بیشتر آباد شده جنوبی و شرقی و غربی این سرزمینها به عمل آمده است. امید است که خواننده بر اهمیت بسیار افزونتر این بخش از جهان نسبت به اروپا آگاه شود. فصلهای این کتاب، از شرق به غرب در پی هم نگاشته شده است و امید است که تفاوتها و نیز گرایشهای موجود میان این دو بخش ایران باز شناخته شود. آسیای میانه همواره به شرق ایران (افغانستان امروزی) بیشتر باز بسته بوده است تا فارس (ایران کنونی) و بنابراین، بدین بخش باز بسته به تاریخ شرق ایران نگریسته می‌شود. پیوستگی و استمرار در شرق (ایران باستان) بیشتر منقطع شده است، تا در فارس (ایران کنونی). ولی، این هم از صفات فرهنگ شرق ایران (ایران باستان) است.

آثار عمومی درباره تاریخ باستانی ایران

بر خلاف تاریخ یونان و روم و مصر و بین‌النهرین، شمار تاریخهای عمومی ایران تا زمان تاخت و تاز اعراب چندان زیاد نیست. پی‌بردن به علل این امر چندان دشوار نیست. نخست آنکه کمتر کسانی بدین کار دست برده‌اند، زیرا پرداختن بدان مستلزم آگاهیهای ژرف زبانی و زبانشناختی است، که این گونه کسان بیشتر دلبستگی دارند به بررسیهای تاریک و دقیق در واژه‌ها تا متنهای برجسته تاریخی. دوم آنکه عوامل گوناگونی که پژوهنده برای بازسازی تاریخ ایران لازم دارد، بسیاری را از پرداختن بدان باز می‌دارد. زیرا باید از شناسایی سکه و تاریخ هنر و معماری و البته باستانشناسی یاری خواست، که این مطلب هم باعث گریزانیدن مورخان و جلب باستانشناسان و تاریخ هنرشناسان شده است و چندان پیامد درخشانی نداشته است. سرانجام، باید گفت که بسیاری از